

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مبلغان سایبر کے چہار دہ لا خورشید



www.14khorshid.ir

ورود بہ سائیک مبلغان سایبر کے چہار دہ خورشید

<http://14khorshid.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم



حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج

معاونت پژوهش

پلورالیسم اعتقاد

موضوع تحقیق/تلخیص :

حاج آقا افشار

استاد راهنما :

سجاد آذرباد

پژوهش گر :

پایه 4

پایه تحصیلی :

اول

نیم سال :

كليدواژه:

اعتقاد

پلوراليسم

هندوئيسم

تکامل

معرفت

عمل

بر آنیم تا إنشاء الله وبا یاری حضرت حجه (عج) تحقیقی راجع به حقایقی از اعتقاد در میان پلورالیسم اعتقاد که گرایشی به سوی میلیاردها اعتقاد موجود در جهان را دارد بیان کنیم. و اعتقاد راسخ را در میان آنها کاوش کرده و به هدفی درست و مبنی بر پایه های مستحکم حرکت کنیم. در ابتدا باید دانست که اعتقاد صحیح از عقلی سالم به دست می آید، او این سخن همه ی عقلای عالم است.

ما باید به دنبال چیزی بگردیم که فطرت هر انسان سالمی به دنبال آن است، یعنی همان اعتقاد صحیح از میان تمام گرایش های فطری.

در ادامه به بیان گرایش های اعتقادی در سراسر جهان می پردازیم...

الف: تلازم های اعتقادی در سراسر جهان:

۱-۱: تلازم اعتقاد به خدا و حدوث زمانی عالم در افکار اروپاییها:

این که رابطه ای بین اعتقاد اروپایی ها و اسلامیون هست یه نه شهید مطهری ره مطلب بسیار زیبایی دارن که می فرمایند:

(با اینکه علی الظاهر کتابهای اسلامی در قدیم در اروپا ترجمه شده است، ولی چون این مبحث در زدو خورد میان متکلمین اسلامی و حکمای اسلامی حل شده و در فلسفه ارسطو چنین چیزی نبوده است، هنوز هم در افکار اروپاییها می بینیم که این دو مطلب را ملازم یکدیگر می دانند و می گویند یا باید معتقد به خدا باشیم و قائل باشیم که عالم اول دارد، و یا باید بگوییم عالم اول ندارد پس خدایی وجود ندارد. من تا حالا هرچه برخورد کرده ام، به همین فکر برخورد کرده ام و خیلی هم در حیرتم که با اینکه این فکر لااقل از هزار سال پیش در بین حکمای اسلامی بوده است، چطور [در افکار اروپاییها] اینکه این دو مطلب با هم تلازمی ندارند و یا لااقل در دنیا عده ای هستند که قائل به این تلازم نیستند، مطرح نیست.

سابقاً در کتابهای توده‌ایها خوانده بودم که ابن سینا میان ماتریالیسم و ایده‌آلیسم در نوسان بود و گاهی مادی می‌شد، گاهی الهی؛ چون در یک جا خدا را اثبات می‌کند و می‌گوید خدایی هست و در جای دیگر می‌گوید عالم قدیم است. من کار ندارم فلسفه بوعلی درست است یا غلط، ولی از نظر بوعلی این مطلب حل شده است که اعتقاد به خدا با اعتقاد به قدم زمانی عالم هیچ گونه منافاتی ندارد، بلکه اعتقاد به خداست که ما را به قدم زمانی عالم معتقد می‌کند.^(۱)

در این نگرش یک تعامل است بین اعتقاد به خداویا قدیم بودن جهان.

شاید با این بیان شهید متوجه شویم، که ممکن است پلورالیسم اعتقادی (گرایش‌های چند گانه اعتقاد) ممکن است درست باشد به شرط این که نفی واجب الوجود در آن نباشد.

این که گفتن پلورالیسم یا تکثر گرایی و به کار بردن این جمله یعنی مجموعه اعتقادات درست است یا نه جای بحث نیست.

به هر حال جمع چند اعتقاد کنار هم ممکن است به شرطی که رعایت اولویت شود.

در کشور های خارجی بیشترین مجموعه اعتقاد سازی و اعتقاد گرایی وجود دارد.

در واقع شخص در این مجموعه به دنبال آرام کردن روح خودش است چون فطرت انسان با ید همراه با گرایش به سوی هدفی آرام گیرد و آن را به عنوان سرپرست و آفریننده انتخاب کند.

به طور مثال در هندوستان، چین، و ابر کشور ها حتی جانور پرستی نیز وجود دارد، و از این مطلب نتیجه می‌گیریم که فطرت انسان باید به جایی بند باشد حتی ممکن است یک حیوان باشد.

در ادامه برای تکثر گرایی اعتقادی و این که فطرت انسان در جستجوی حقیقت چه راه‌هایی را که امتحان نمی‌کند. بحث خواهیم کرد.

(۱): مطهری-مرتضی-مجموعه آثار. ج. ۴. ص. ۱۴۲.

۲-۱: مجموعه اعتقادی هندوئیسم:

در این اعتقاد مردم حتی برای آرامش فطرت خود به گاو پرستی نیز روی آوردند.

هندوئیسم آیین هندو در قدیم دین برهمنی خوانده می شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می کرد. هندوئیسم شکل تکامل یافته آئیمیسیم است و به همین دلیل بنیانگذار آن شناخته شده نیست. این آیین گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است. اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به کتابهای باستانی و سنتهای دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصا گاو از اصول آن دین است. هندوان به عده بی شماری از خدایان آسمانی و زمینی با اسما و صفات عجیب و غریب معتقدند و به آنها کرنش می کنند و برای هر یک بتخانه های با شکوهی می سازند.^(۱)

انسان موجودی عجیب و پیچیده است، در حیرتم با این که در سر خودش سودای خدایی دارد، و عجب و تکبر یکی از صفات رزیده ی درونی انسان است و هر لحظه او را به کرنش می کشد چگونه حاضر به سر خم کردن به پای بتان، و جانوران می شود.

به هر حال این مطلب نشانه ی این است، که انسان با هر بادی می لغزد.

و اگر راهنمایی نباشد که اعتقاد صحیح را بر مبنای عقل بر فطرت انسان ترجمه کنند هر آینه انسان به پرستش هر آنچه در ذهنش می گذرد مشغول می شود.

نمونه اش را در اعتقاد گرای هندوئیسم مشاهده کردیم.

خود هندوئیسم نیز شاخه های زیادی دارد از جمله:

(۱) - توفیقی. حسین.، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۳۱.

۳-۱: اعتقاد در آیین جین:

آیین جین از جمله شاخه های هندوئیسم آیین جین (Jaina) به معنای پیروز است که پنج قرن قبل از میلاد پایه گذاری شد. شگفت آورترین سنت این قوم این است که پوشیدن لباس را حرام می دانند و معتقدند معاویرا در حال ریاضت و ترک تعلقات نفسانی، پس از مشاهده تعلق خاطر خود به حیا، همه لباسهای خود را بیرون آورد و تا آخر عمر برهنه به سر برد. به عقیده جینها به رستگاری بر دو اصل استوار است، یکی ریاضت کشی و دیگری (اهمیسا) یا پرهیز از آزار جانداران که تا نباتات و جمادات پیش می رود و کندن زمین برای کشاورزی ممنوع شمرده می شود. با آنکه خوردن میوه درختان مجاز است، استفاده از محصولات زیر زمین مانند چغندر، هویج، شلغم و سیب زمینی که معالجه حیوانات اهلی و وحشی دایر کرده اند و معمولا پارچه ای بر دهان می بندند، که مبادا حیوان ریزی ناخواسته به دهانشان وارد شود و نابود گردد. آنان آب را قبل از نوشیدن صاف می کنند که مبادا کرمی وارد دهان شود و جان بدهد. همچنین جاروبی از پر طاووس در دست می گیرند و حشرات ریز را از مسیر خود دور می کنند. خود کشی از طریق ترک طعام و شراب فضیلتی بسیار بزرگ به شمار می آید و خود مهاویرا نیز به این شیوه در گذشته است. هم اکنون حدود دو میلیون پیرو آیین جین در هندوستان وجود دارد.^(۱)

با این اعتقاد اگر شما بخواهید، مثلاً از مکان خود به سمت راست حدود یک کیلومتر راه بروید، و بخواهید تمام موارد ذکر شده را رعایت کنید اعم از احترام به کرم ها و جانداران موجود در هوا... اگر قرار باشد ۱۵ برسید با این وجود یک ساعت طول می کشد. پس ببینید اگر فطرت انسان در جستجوی حقیقت اعتقاد اشتباه کند چه فجایی را برای خودش به وجود می آورد، و تا جایی پیش می رود که ممکن است مثل جین ها از ترک طعام خود کشی کرده و این را فضیلتی بزرگ بداند.

(۱). توفیقی. حسین. آشنایی با ادیان بزرگ. ص. ۳۱.

در هندوستان گرایش های اعتقادی به صورت چشم گیری افزایش داشته است، تا جایی که شخص هر بدون تحقیق چیزی را به پرستش می گیرد که نزد عقلای جهان چیزی پوچ و بی معنی است.

۴-۱: اعتقاد بودیسم گرایش به بودا:

بودیسم آیین بودا از شاخه های کیش هندوست. این آیین از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را در نوردیده است و به علت داشتن اندیشه های عرفانی لطیف و گسترش در مناطق پرجمعیت جهان، پیروان زیادی دارد و اخیراً به اروپا و آمریکا نیز سرایت کرده است. آیین بودا سه فرقه دارد:

۱- مهایانا (yana-Maha) یعنی چرخ بزرگ، آیین شمالی که در چین رواج دارد. این شعبه ای آیین بودا با طیفهایی از اعتقادات و سنن کنفوسیوس و لائوتسه در چین و شینتو در ژاپن در آمیخته است.

۲- هینایانا (yana-Hina) یعنی چرخ کوچک، آیین جنوبی که در سری لانکا (سیلان) و کشورهای جنوب شرق آسیا مشاهده می شود.

۳- وجریانا (yana-Vajra) یعنی چرخ الماس. این فرقه در تبت وجود دارد و آیین بودا را با سحر و کهنات و توتم پرستی در آمیخته و تشکیلاتی نیرومند برای خود پدید آورده است.^(۱) این مطلب چه چیز را می رساند، غیر از این است که از میان تمام اعتقادات جهان که درصد زیادی را به خود اختصاص داده، یکی درست و بقیه اشتباه است.

آیا نباید عقل سالم به دنبال اعتقادی صحیح و گرایش فطری مناسب باشد؟

آیا انسان نباید به دنبال راهی باشد تا با کندوکاو کردن در امور جهان و طبیعت به دنبال اعتقادی سالم و دور از هرگونه دغل باشد. و آن را از روی بینش و عقل انتخاب کرده باشد. در دین ما اسلام نیز بعد از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز فرقه های زیادی به وجود آمد.

(۱). توفیقی. حسین. آشنایی با ادیان بزرگ. ص. ۳۱.

به طوری که:

(در کتب حدیث از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: امت موسی عَلَيْهِ السَّلَام پس از او به هفتاد و یک فرقه و امت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پس از وی به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند، و پس از من امتم به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد که تنها یک فرقه اهل نجات خواهد بود، چنانکه از فرقه‌های هر یک از دو امت موسی و عیسی عَلَيْهِمَا السَّلَام نیز تنها یک فرقه اهل نجات بود.^(۱))

پس باید کمال دقت را به خرج داد تا در میان نبوهی از کثرت گرایی اعتقادی ما خود رابه موج گرایش‌های منفی وارد نکنیم.

آنچه مثال زدیم در واقع و حقیقت مثال بود برای این که بیان کنیم در نقاط مختلف جهان چه گرایش‌هایی وجود دارد و انسان در جستجوی اعتقادی مثبت باید چه راه‌هایی را بییابد. اولین راه و بهترین راه برای انتخاب اعتقادی درست این است که:

ب: راه کسب معرفت (گرایش به اعتقادی سالم):

انسان از روی حس تکامل و رسیدن به کمال به دنبال اعتقادی سالم حرکت کند، و با کمال هوشیاری در بین اعتقادات موجود در دنیا جستجو کرده و به بهترین آنها که از شخصی سالم (پیامبر) به او رسیده باشد جواب مثبت دهد.

تا این جا باید دانست که بعضی افراد از روی هوس به اعتقادی گرایش دارند، که در این رطبه قادر خواهند بود لذات دنیوی را امتحان کرده و به آرامش شهوتی دست پیدا کنند.

البته که این نوع گرایش اعتقادی از روی عقل نخواهد بود. باید توجه داشته باشیم که ما نباید به دنبال آرامش در یک دین باشیم هر چند که یک دین سالم دارای لذات مثبت و عقلانی نیز است. چنان که ممکن است در دینی سختی باشد ولی همین سختی راه کمال یک فرد باشد همچنان که انسان با راحتی به یک قلّه سعود نخواهد کرد.

(۱). سبحانی. جعفر. بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۱-۲۴ و ۳۸-۳۹

پس انسان آگاه و با بصیرت منصف نیز هست، و در جستجوی حقیقت با این که بهترین راه کمال خودش را انتخاب می کند، ولی در برابر سختی ها نیز مقاومت می کند.

متأسفانه بعضی افراد از روی جهل به اعتقادی گرایش پیدا می کنند، که همان موجبات سقوطشان را فراهم می کند، و اعتقادی که بر گزیده اند نزد عقلای عالم قابل قبول نیست. دلیل این گرایش ممکن است همان موضوع بحث ما باشد یعنی در راه تکامل و جستجوی حقیقت نباید به هوی و هوس توجه کرد.

هرچند که بعضی ها با دیدن یک مجوز به شهوت در یک اعتقاد اشتباه فوراً دین خود را عوض کرده و به شیطان پرستی، بت پرستی، اعتقاد جین در هندوستان و... گرایش پیدا می کنند.

پس باید در راه جستجوی حقیقت منصف بود، و به اهداف یک اعتقاد نگاه کرد تا به سختی های آن، چون همان طور که گفته ایم ممکن است یک دین در بعضی موارد دشوار باشد اما هدف والایی را به دنبال را برای انسان رقم بزند.

به قول شهید مطهری (رحمه الله علیه):

بعلاوه، قطع نظر از اینکه اعتقاد به خدا با اعتقاد به آزادی - به عقیده اینها - منافی است، اعتقاد به خدا مستلزم ایمان به خداست و ایمان به خدا یعنی تعلق و بسته بودن به خدا، و حال آنکه بسته بودن - به هر شکل که می خواهد باشد - و تعلق و ایمان و وابستگی به هر حقیقتی بر ضد آزادی انسان است، خصوصاً اگر این اعتقاد و بستگی اعتقاد و بستگی به خدا باشد، چون بستگی به خدا فوق همه بستگی ها است.

به قول شاعر:

من بسته تو هستم محتاج بستنی نیست عهدی که با تو بستم هرگز شکستنی نیست

اگر بستگی به خدا باشد، دیگر به هیچ شکل نمی توان آن را نقض کرد و شکست.

بنابراین، این مکتب کمال انسان را در آزادی می داند.^(۱)

پس بهترین راه رسیدن به تکامل و انتخاب اعتقادی درست، این است که انسان از روی حس حقیقت جویی به دنبال بهترین عقده برود و آن را با کمال میل انتخاب کند.

این را هم باید دانست که ممکن است افراد به حقیقت بودن اعتقادی جزم داشته باشند، ولی بدان عمل نکنند و به امورات آن مأنوس نباشند، در این مورد تکلیف چیست آیا صرف شناخت یک اعتقاد صحیح کافیهست تا ما را به کمال برساند. یا خیر:

ج: عمل مکمل معرفت:

باید دانست صرف شناختن یک اعتقاد ما را به سوی هدف راهنمایی نمی کند. بلکه باید بدانیم و عمل کنیم.

وقتی شخصی به محبوب و یقین به محبوب رسید باید نهایت تلاش خود را برای رضایت مندی وی به کاربرد، کسانی که به نهایت یقین رسیده اند و به اعتقاد انتخابی خود کمال شناخت را پیدا کرده اند باید به امورات (نهی ها و امر های) آن آیین جامه عمل بپوشانند.

زیرا تنها دانستن کافی نیست، مثل این است که انسان بداند که مواد مخدر مخل عقل هستند ولی عمل نکند چه فایده دارد. شناخت او هیچ مشکلی را برای او برطرف نمی کند.

شهید مطهری (رحمه الله علیه) می فرمایند:

لذا اینها به این معنا که آنچه را پیغمبر بیان کرده است دروغ بدانند کافر نبودند؛ کافر بودند به معنی اینکه تسلیم نبودند به آنچه که در دلشان درباره اش فکر می کردند؛ چون کفر - مکرر گفته ایم - حتی دایره مدار علم هم نیست؛ یعنی ممکن است انسان به چیزی علم و معرفت داشته باشد و در عین حال کافر باشد. ما این جور فکر می کنیم، می گوئیم اگر انسان خدا را بشناسد پس به خدا ایمان دارد، اگر بداند قیامت هست پس به قیامت ایمان دارد، اگر بداند که پیغمبر از ناحیه خداست پس ایمان دارد. ولی قرآن این را قبول ندارد. قرآن می گوید که باید خدا را شناخت و بعد از شناختن ایمان آورد. ایمان حالت تسلیم انسان است در مقابل آن حقیقتی که می شناسد. چرا خدا شیطان را مؤمن نمی نامد و کافر می خواند؟ آیا شیطان خدا را نمی شناخت؟

خیلی از ما بهتر می‌شناخت و می‌دانست. او اهل یقین بود، در خدا شک نداشت. آیا او به قیامت آگاه نبود که قیامتی هست؟ کاملاً آگاه بود چون وقتی با خدا مُحاجّه می‌کند می‌گوید: انظُرْنی الی یَوْمِ یُبْعَثُونَ^(۱)

یاد می‌کند، بندگان مخلص که هیچ راه نفوذی را تا روز قیامت مهلت بده. معلوم می‌شود به «یوم یُبْعَثُونَ» اعتقاد داشته. آیا به پیغمبران اعتقاد نداشته و درباره نبوت پیغمبران شک داشته است؟ کاملاً یقین داشت. خودش از آنها به عِبَادکَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ^(۲) در وجود آنها نیست. او از هر کسی بهتر می‌دانست که چه کسی به پیغمبری رسیده و چه کسی دروغگو و مدعی و کذاب است.^(۳)

حال چرا خدا شیطان را کافر می‌خواند؟ برای اینکه نسبت به آنچه معرفت دارد تسلیم نیست؛ تسلیم امر خدا نیست، تسلیم قیامت نیست، یعنی برنامه عملی خودش را بر اساس وجود قیامت تنظیم نکرده، بر اساس تمرد در مقابل این حقیقت تنظیم کرده است؛ و همچنین تسلیم گفته‌های انبیا نیست. پس مسأله تسلیم، ماوراء مسأله معرفت و اعتقاد است.^(۴)

همان گونه که در کلام شهید وارد شده مسئله ی تسلیم ماوراء مسئله ی معرفت است. وهم چنین جواب این مسئله داده خواهد شد که اعتقاد صحیح همان عمل به معرفت است و گرنه صرف داشتن معرفت و عمل نکردن با کفر فرقی ندارد.

(۱) سوره حجر. آیه. ۳۶.

(۲) سوره ص. آیه. ۸۳.

(۳) مطهری. مرتضی. مجموعه آثار. ج. ۲۷. ص. ۷۳۹.

(۴) همان. ص. ۷۴۰.

نتیجه گیری:

در نتیجه ی بحث به این اشاره می کنیم که هر چند در دنیا و در اذهان مردم یک سلسله اعتقاداتی وجود دارد که راهاتتخاب را برای انسان دشوار می کند، اما با استفاده از بهترین راه یعنی جست جوی حقیقت و مشروط به نظارت عقل سلیم انسان می تواند اعتقادی سالم را برگزیند.

باید توجه داشت در انتخاب بهترین اعتقاد راه همان است که عقلاء پیموده اند و ما باید با تاسی از آنها بهترین راه کمال را برگزینیم.

و باید دانست صرف شناخت کافی نیست بلکه عمل به دستورات حقیقی و حقه ی یک دین است که انسان را به سوی هدفی والا و درست رهنمود می کند.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

((کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راههای خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است))

پایان

منابع و مأخذ:

(۱) قرآن کریم

(۲) مطهری/مرتضی/مجموعه آثار /جلد های ۲۳/۲۷/۴- انتشارات صدرا. مجموعه نشر آثار شهید

مطهری (رحمه الله علیه)

(۳) توفیقی/حسین/آشنایی با ادیان بزرگ/موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام.

(۴) سبحانی/جعفر/بحوث فی الملل و النحل/ج. ۱. انتشارات/مرکز اطلاعات و مدارک

اسلامی.